

## حماس هنوز موثر است

در چند هفته گذشته، تلاش گفتمانی زیادی روی برنامه‌های «روز بعد» دولت ترامپ برای غزه صرف شده است. با این حال، توجه کمتری به ارزیابی آنچه ممکن است برای غزه اتفاق بیفتد، متمرکز شده است. پاسخ کوتاه این است که اتفاقات خوبی برای غزه در راه نیست. با این رویه، حماس احتمالاً بازسازی خواهد شد، غزه ویران خواهد ماند و حل و فصل صلح پایدار غیرممکن خواهد بود. اولاً، حماس احتمالاً به مرور زمان قدرت خود را بازیافته است. در آستانه حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حماس بیشتر شبیه یک نیروی شبه‌نظامی بود. حماس دارای ۲۵ تا ۳۰ هزار نیرو بود که به پنج تیپ منطقه‌ای، ۲۴ گردان و مجموعه‌ای از یگان‌های تخصصی شامل عملیات‌های هوایی، دریایی و ویژه تقسیم می‌شدند. این ارتش به مجموعه‌ای از تسلیحات مجهز بود که شامل ۳۰ هزار راکت می‌شد که حماس را از ارتش برخی کشورهای اروپایی بزرگ‌تر می‌کرد. در واقع، حمله ۷ اکتبر بیشتر شبیه یک حمله نظامی متعارف بود تا یک عملیات تروریستی. پس از تقریباً ۱۶ ماه جنگ، حماس به یک گروه شورشی تنزل یافته است. ارتش اسرائیل تخمین می‌زند که تاکنون ۱۷ تا ۲۰ هزار نیروی حماس را در جنگ از بین برده است. بسیاری از رهبران ارشد از جمله اسماعیل هنیه، ترور شده‌اند. فرمانده نظامی محمد صیفا؛ معاون امروان عیسی و مهمتر از همه، مغز متفکر حمله ۷ اکتبر یحیی سنوار، ترور شده‌اند. عملیات نظامی اسرائیل رهبری سطح متوسط حماس را نیز از بین برد؛ هشت فرمانده تیپ، ۳۰ فرمانده گردان، و ۱۶۵ فرمانده گروهان یا جوخه کشته شدند. بدون این رهبران عملیاتی و تاکتیکی، حماس برای انجام یک حمله هماهنگ مقیاس بزرگ دیگر مانند ۷ اکتبر کار سختی در پیش خواهد داشت. با این حال، اسرائیل هنوز حماس را به عنوان یک سازمان در هم نکویده است. این واقعیت که مذاکره‌کنندگان حماس در قطر می‌توانند بر سر یک معامله مذاکره کنند، مشخص کند که هنوز چه گروه‌گانه‌هایی را در اختیار دارند و سپس آنها را به شیوه‌ای منظم تحویل دهند، نشان می‌دهد که فرماندهی و کنترل حماس ممکن است ضربه خورده باشد اما دست‌نخورده باقی مانده است. با آتش‌بس و آزادی حرکت مجدد در سراسر غزه، هر حلقه شکست‌های در زنجیره فرماندهی وجود داشته باشد، تقریباً تاکنون وصل شده است.

در نتیجه، اگر راهی برای تحکیم دستاوردهای نظامی اسرائیل وجود نداشته باشد، حماس قادر خواهد بود صفوف خود را بازسازی کند. برآوردهای ایالات متحده حاکی از آن است که حماس در طول درگیری‌ها حدود ۱۵ هزار جنگجوی جدید را به خدمت گرفته است. در حالی که بعید به نظر می‌رسد این جنگجویان به اندازه جنگجویان قبلی خود کارآمده باشند، در هر صورت بخشی از این کمبود تجربه احتمالاً توسط آسرای فلسطینی که اسرائیل به‌عنوان بخشی از معامله خود برای آزادی ۲۳ گروه‌گانه از جنگ حماس آزاد کرده، پر خواهد شد. در مرحله اولیه آتش‌بس، اسرائیل با آزادی بیش از ۱۹۰۰ اسیر فلسطینی از جمله زندانیان امنیتی که به دلیل قتل و سایر جرایم جدی در حال گذراندن حبس ابد هستند موافقت کرد. احتمالاً آزادی ۵۹ گروه‌گانه باقیمانده شامل آزادی تعداد مشابهی از زندانیان خواهد بود.

اگر اسرائیل نتواند حماس را از تجدید قوا باز دارد، احتمالاً به محدودیت‌های امنیتی شدیدتر در غزه روی خواهد آورد. این کار بسیار مشکل است، زیرا غزه امروز ویران شده است. تقریباً هفت ساختمان از هر ۱۰ ساختمان قبل از جنگ، آسیب دیده یا مسطح شده‌اند. سازمان ملل تخمین می‌زند که بازسازی غزه حداقل ۱۵ سال طول می‌کشد. با این حال، این تخمین‌ها بر این اساس است که اسرائیل اجازه واردات مصالح ساختمانی را بدهد که در این خصوص تضمینی وجود ندارد. بسیاری از مصالح ساختمانی اساساً دارای کاربرد دوگانه هستند. همان بتن و میلگرد مورد نیاز برای بازسازی خانه‌ها و بیمارستان‌ها می‌تواند برای بازسازی شبکه تونل حماس استفاده شود. به همین ترتیب، با ۵۰ میلیون آواری که باید برداشته شود، غزه به تجهیزات حفاری نیاز دارد. اما از همین تجهیزات می‌توان برای تونل‌زنی نیز استفاده کرد. محدودیت‌های سختگیرانه در مورد آنچه وارد غزه می‌شود ممکن است مانع از تسلیح مجدد حماس نشود. به‌عنوان مثال، ایالات متحده تخمین می‌زند که ۳۰ هزار مهمات منفجرشده در غزه وجود دارد که باید خنثی شوند. این امر نه تنها غیرنظامیان را در معرض خطر انفجارهای تصادفی قرار می‌دهد، بلکه به این معنی است که حماس احتمالاً به هزاران تن مواد منفجره برای استفاده مجدد برای تسلیحات دسترسی دارد. حماس نیز می‌تواند تسلیحات قاچاق کند. اسرائیل احتمالاً بر بازرسی کاروان‌ها یا فایق‌هایی که به سمت غزه می‌روند یافشاری می‌کند، اما از نظر تاریخی، قاچاقچیان معمولاً راهی برای خود پیدا کرده‌اند.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

انتخابات پارلمانی اقلیم کردستان عراق پس از ۵ بار تعویق در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۴ برگزار شد و نتیجه آن از عصر جدیدی از شکاف‌های سیاسی را رونمایی کرده است. هیچ‌کدام از احزاب بزرگ سیاسی، نظیر حزب دموکراتیک کردستان یا KDP و رقیب اصلی او، اتحادیه میهنی کردستان PUK نتوانستند اکثریت پارلمانی را کسب کنند. در این انتخابات شدیداً قطبی و جنجالی، حزب دموکراتیک کردستان از ۱۰۰ کرسی، ۳۹ کرسی پارلمان را کسب کرد و حزب اتحاد میهنی کردستان ۲۳ کرسی، ۷ حزب دیگر هم ۱۵ کرسی یا کمتر را کسب کردند. نتیجه این انتخابات می‌تواند رابطه تنش‌زای میان این احزاب را ملتهب‌تر کند.

اگر این دو حزب نتوانند از سیاست‌های سلیقه‌ای و کم‌اهمیت خود عبور کنند، قدرت سیاسی در اقلیم کردستان چندباره شده و خودمختاری آن از بین خواهد رفت. اختلاف جناحی میان حزب دموکراتیک کردستان و اتحادیه میهنی کردستان، اقلیم را از منطقه‌ای خودمختار و مورد احترام که زمانی سیاست‌های ملی را شکل می‌داد و در صحنه جهانی وضعیت معادل با یک کشور مستقل داشت، به منطقه‌ای دوباره که نمی‌تواند امورات خود را مدیریت کند، تبدیل می‌کند. کردستان عراق با بحران اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند و این بحران منجر به تعمیق نزاع‌های سیاسی و گسترش فساد سیستماتیک می‌شود. همین عوامل بود که منجر به برگزاری چنین انتخاباتی شد که با بی‌اعتمادی فراگیر مخدوش شد. خصوصاً، حزب دموکراتیک و اتحادیه میهنی ریشه تاریخی دارد، اما پس از آنکه پرونده شکایت اتحادیه میهنی کردستان در دیوان عالی عراق منجر به تغییراتی در قوانین انتخابات شد تا حزب دموکراتیک کردستان نتواند به‌راحتی مزیت‌های انتخاباتی خود را حفظ کند، تنش میان این دو حزب افزایش یافت.

این قوانین بازبینی شده انتخابات را رقابتی‌تر می‌کرد و همین مسئله باعث شد که شکاف بین دو حزب افزایش یابد. مقامات ارشد هر دو حزب دموکراتیک کردستان و اتحادیه میهنی کردستان الگوهای سنتی تقسیم قدرت در کابینه‌های پیشین را رد کرده‌اند. با این حال، با توجه به روند سیاسی اقلیم کردستان از سال ۱۹۹۲، ناتوانایی در رسیدن به سازش بر سر تقسیم قدرت بین دو حزب خطرات جدی را برای ثبات این منطقه به‌همراه خواهد داشت. حزب دموکراتیک کردستان تعداد بالایی از کرسی‌ها را کسب کرده اما نتوانسته است اکثریت را به‌دست آورد و قاطعانه از ائتلاف با حزب اتحادیه میهنی کردستان برای تشکیل دولت امتناع کرده است. این حزب نگران است اتحادیه میهنی احتمالاً به مانند یک اپوزیسیون اخلالگر عمل کند.

در این میان، حزب اتحادیه میهنی کردستان تلاش کرده تا با احزاب کوچک به‌جز حزب دموکراتیک کردستان یک ائتلاف حداکثری تشکیل دهد. در این انتخابات برخی از احزاب به‌جای پرداختن به بحران‌های اساسی اقلیم از تاکتیک‌های تحریک‌آمیز برای بحث‌های بی‌حاصلی استفاده کردند که منجر به ایجاد صحنه‌ای از رقابت‌های شخصی و مطرح شدن ادعاهای جنجالی شد و همین امر باعث شد رای‌دهندگان مجبور شوند راه خود را از میان شبکه پیچیده‌ای از لفاظی‌ها و تنش‌های کلامی پیدا کنند. با این حال، تغییرات ژئوپلیتیک از جمله انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، سقوط بشار اسد در سوریه و کاهش نفوذ ایران در خاورمیانه، فضای پس‌انتخابات در اقلیم کردستان را دگرگون کرده است. پس از آنکه تحولات منطقه، ائتلاف‌های سنتی را هم در داخل عراق و هم در منطقه تضعیف کرد، تلاش حزب اتحادیه میهنی کردستان برای به‌کار گرفتن ذهنیت «برنده همه چیز را می‌گیرد» موفق نبوده است. متحدان حزب اتحادیه میهنی کردستان به‌دنبال حفظ قدرت خود در داخل عراق از طریق منزوی کردن طرف مقابل هستند و مایل نیستند وضعیت خود را از طریق تعامل با حزب دموکراتیک کردستان، به‌خطر بیندازند. این امر باعث شد تا حزب اتحادیه میهنی کردستان توافقنامه‌ای را برای تقسیم قدرت با حزب دموکراتیک کردستان تنظیم کند و خواسته‌های حداکثری خود را از طریق مشارکت برابر در قدرت، با هدف همسو کردن خود با ژئوپلیتیک منطقه و تثبیت جایگاه سیاسی خود، کنار بگذارد.

در عین حال، حزب دموکراتیک کردستان این موضوع را به‌عنوان فرصتی برای انجام معامله‌ای با حزب اتحادیه میهنی کردستان می‌بیند که بر دستاوردهای پیشین خود سرمایه‌گذاری کند و حمایت حزب را از برخی از برنامه‌هایی که برای وجهه مسرور

## بن بست خودمختار

## نتیجه انتخابات پارلمانی اقلیم کردستان عراق نشان دهنده عمیق‌تر شدن شکاف میان حزب دموکراتیک و اتحادیه میهنی است



تصویر: Getty Images



بازرانی، نخست‌وزیر، که انتظار می‌رود کابینه بعدی را رهبری کند، مهم بودند، جلب کند. در میان آنها «ابتکار حساب من»، پروژه کلیدی کابینه نهم بازرانی با هدف دیجیتالی کردن فهرست حقوق‌گیران و سیستم پرداخت حقوق کارمندان «دولت اقلیم کردستان عراق» قرار دارد. حزب اتحاد میهنی کردستان اجرای این پروژه را در مناطقی که تحت کنترل خود دارد، از جمله سلیمانیه و حلبچه مختل کرده است. در طول کارزارهای انتخاباتی، رهبران حزب اتحادیه میهنی کردستان وعده دادند با این طرح مخالفت کنند و برای مخالفت با آن تبلیغات سنگینی انجام دادند. با این وجود، در ۲۳ فوریه بافل طالبانی «ابتکار حساب من» را ستایش کرده و به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های این ابتکار اذعان کرد.

احزاب سیاسی کُرد در خواست سهم متناسب در دولت را که کمابیش براساس نتایج انتخابات باشد، دارند. این تحولات نشان می‌دهد که تشکیل دولت ممکن است سریع‌تر از آنچه انتظار می‌رود اتفاق بیفتد. اگر این اتفاق رخ دهد، نشان‌دهنده پیشرفت رویکرد مشارکتی و عمل‌گرایانه‌تر در سیاست‌های کُردها است. هر چند چالش‌های بخصوص در دستیابی به ثبات سیاسی ماندگار به جای خود باقی خواهد ماند.

## ▼ تاکتیک‌های انتخاباتی

حزب اتحادیه میهنی کردستان استراتژی انتخاباتی پوپولیستی خود را به‌رهبری بافل طالبانی به‌کار گرفت. بافل با به‌کار گرفتن تاکتیک‌های غیرمتعارف از جمله حرکات نمایشی مانند لگد زدن به میکروفون و نشان دادن خود به‌عنوان مردی ساده‌پوش مثل پوشیدن یک تی‌شرت ساده، تلاش کرد نشان دهد که او هم از جنس مردم عادی است. طالبانی همچنین برای حملات شدید و تمسخر رقبای خود از لفاظی‌ها و استراتژی‌های بی‌سابقه‌ای در سیاست کردستان استفاده کرد. رویکرد او در افکار عمومی کردستان طنین‌انداز شد و او توانست به صدای رسای استیصال و ناراضی‌های مردم کردستان، به‌ویژه شرایط سخت اقتصادی، تبدیل شود. این امر از این جهت قابل توجه است که حزب او نیز در ایجاد بحران اقتصادی

اقلیم کردستان نقش داشته است. بیش از ۲ میلیون نفر در انتخابات رای دادند که نشان‌دهنده مشارکت ۷۲ درصدی است. میزان مشارکت در انتخابات ۲۰۱۸، ۵۸ درصد بود. سخنان طالبانی انرژی تازه‌ای را در میان رای‌دهندگان ایجاد کرد اما در عین حال میزان حمایت از رقبایش به‌ویژه از حزب دموکراتیک کردستان را نیز افزایش داد و تعداد رای‌های این حزب را تقریباً به ۲ برابر حزب طالبانی رساند.

پس از انتخابات، حزب اتحادیه میهنی کردستان طبق سنت با حزب دموکراتیک کردستان شریک شد تا دولت ائتلافی را تشکیل دهد اما تا زمان سقوط رژیم اسد به لفاظی‌های انتخاباتی و تلاش برای کسب موقعیت مطلوب خود ادامه داد؛ امری که نشان می‌داد این حزب هنوز آمادگی شرکت در مذاکرات ائتلاف را ندارد. با این حال تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای متحدان حزب اتحادیه میهنی کردستان را تضعیف کرد و این حزب را مجبور کرد تا استراتژی خود را بازبینی کند و ایده تشکیل ائتلاف با احزاب کوچک برای تشکیل دولت بدون حزب دموکراتیک کردستان را کنار بگذارد. حزب اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکراتیک کردستان چندین دور از مذاکرات برای تشکیل کابینه را برگزار کردند.

حزب اتحادیه میهنی کردستان روایت بلندپروازانه «برنده همه چیز را می‌گیرد» را به امید برگرداندن پست‌های خود در کابینه با اضافه کردن این بند در توافق که تقسیم قدرت از سوی حزب دموکراتیک کردستان رعایت می‌شود، کنار گذاشته است. شاخه اجرایی اقلیم کردستان به جای دو معاون، یک معاون خواهد داشت و قیاد طالبانی به‌عنوان معاون نخست‌وزیر انتخاب می‌شود. این امتیاز نشان می‌دهد که حزب اتحادیه میهنی کردستان خواسته‌های حداکثری خود را کنار می‌گذارد تا بتواند ریاست اقلیم را به‌دست بگیرد. این حزب همچنین وعده داد تا از «ابتکار حساب من» حمایت کند. اما با ایجاد اختلال در اجرای آن در سلیمانیه و حلبچه به‌دنبال برنامه «ملی کردن» حقوق کارمندان حکومت منطقه کردستان از طریق بانک مرکزی بوده است. حزب اتحادیه میهنی در کارزارهای انتخاباتی خود وعده شکست پروژه «حساب